

## بررسی علل مهاجرت های روستا - شهری در بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان

حمید شایان - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
سیدهای کهنه پوشی<sup>۱</sup> - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۸ صص ۱۱۵-۱۴۱ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۴/۱۸

### چکیده

مهاجرت روستا- شهری پدیده‌ای است که از یک سو به دلیل ماهیت پیچیده‌اش، مسئله‌ای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جمعیتی و روان‌شناختی است و از سوی دیگر، نشان‌دهنده کارکرد نامناسب اقتصاد ملی در فراهم کردن امکانات لازم در کشور است. بدیهی است که نبود کنترل مهاجرت گسترده به شهر، مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فراوانی را برای شهرهای مقصد مهاجران و نیز روستاهای تخلیه‌شده ایجاد می‌کند و برای توسعه اشتغال و تولید در کشور، مفید نخواهد بود؛ بنابراین، ریشه‌یابی علل و عوامل پدیدآورنده آن در جهت کاهش مهاجرت و به تبع آن کاهش مشکلات ناشی از آن، ضروری به نظر می‌رسد. در این تحقیق، به بررسی علل مهاجرت‌های شهری- روستایی در بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان پرداخته شده است. روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی است و جامعه آماری، جمعیت روستاهای بخش خاو و میرآباد هستند. با توجه به امکانات تحقیق و نیز یکدست بودن روستاها، ۲۰٪ از کل روستاهای این بخش که شامل شش روستا است، به صورت تصادفی به عنوان روستاهای نمونه انتخاب شدند. براساس فرمول کوکران، از میان جامعه آماری، ۳۷۲ نفر از مهاجرین شش روستای نمونه که به شهر مریوان مهاجرت کرده بودند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر، ابتدا بینش لازم درباره موضوع از طریق منابع کتابخانه‌ای حاصل شد. پس از آن، داده‌ها و اطلاعات مربوط به منطقه گردآوری شد. در بررسی‌های میدانی، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، اقدام به تهیه و تکمیل پرسش‌نامه در بین مهاجران روستاهای موردنظر همراه با مصاحبه و مشاهده شد. اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار Excel، تحلیل شد و با توجه به نتایج

پژوهش، به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شد. در نهایت، مشخص شد کمبود اشتغال و وجود بیکاری و پس از آن کمبود درآمد، علت اصلی مهاجرت روستاییان بخش خاو و میرآباد به شهر و در نهایت، تخلیه روستاهایشان محسوب می‌شوند.

**کلیدواژه‌ها:** مهاجرت روستا- شهری، اقتصاد روستایی، تخلیه روستاها، بخش خاو و میرآباد.

#### ۱. مقدمه

#### ۱.۱. طرح مسئله

مهاجرت و جابه‌جایی جمعیتی نشانگر پویایی و تلاش انسان است. انسان‌هایی که در یک مکان جغرافیایی زمینه تلاش را برای خود محدود می‌دانند، به مهاجرت اقدام می‌کنند. انسان دارای مهارت-های متنوعی است. مهارت‌های متنوع فضاهای گوناگونی را می‌طلبد تا انسان‌ها مهارت‌های خود را نشان دهند. در این صورت مهاجرت کارساز خواهد بود؛ اما اگر این فرایند حرکتی، بدون توجه به مهارت‌ها صورت گیرد، مخرب و منفی خواهد بود. در این راستا، مهاجرت پدیده‌ای جهانی است که در نیم‌قرن اخیر، در کشورهای پیشرفته بعد از انقلاب صنعتی و در کشورهای جهان سوم شدت گرفته است. مهاجرت در کشورهای صنعتی مهار شده است تا جایی که به‌عنوان یک مشکل مطرح نیست؛ اما در کشورهای جهان سوم نه تنها نتوانستند با تدابیر لازم مشکل را حل کنند، بلکه با ایجاد نابرابری‌ها بین مناطق، آن را نیز تشدید کرده‌اند (شمس و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۷).

مهاجرت یکی از پدیده‌های مهم جمعیتی است که مورد توجه بسیاری از برنامه‌ریزان اقتصادی، به‌ویژه کشورهای جهان سوم قرار گرفته است. موضوع مهاجرت در جامعه بیشتر تحت تأثیر روابط شهر و روستا است؛ به این صورت که تراکم شدید جمعیت در شهرهای بزرگ و خالی شدن سریع روستاها، مشکلات اقتصادی-اجتماعی عظیمی را در کشور ایجاد کرده و الگوی استقرار جمعیت را تغییر داده است (ابریشمی، ۱۳۷۵: ۱۴۸). در این میان، مهاجرت‌های داخلی سهم عمده‌ای از مطالعات پژوهشگران را به‌خود اختصاص داده است. مطالعاتی که هدف عمده آن‌ها درک هرچه بیشتر خصوصیات مهاجران، ویژگی مسیرهای مهاجرت و عوامل مؤثر بر شدت و ضعف جریان‌های مهاجرتی است. بررسی تغییرات این عوامل و ویژگی‌ها در طول زمان از نکات حائز اهمیت است.

بررسی های موردی که در نقاط مختلف کشور انجام گرفته، نشانگر این واقعیت است که میزان درآمد ناشی از فعالیت های کشاورزی در مقایسه با متوسط درآمد ناشی از فعالیت های شهری تفاوت بسیار دارد. هرچند درآمدهای زراعی کشاورزان در سال های بعد از انقلاب افزایش یافته است، اما از این افزایش درآمد تنها بخشی از کشاورزان (مانند صیفی کاران، باغداران، و جالیزکاران) بهره مند شده اند و سایر کشاورزان که محصولات استرژیک و اساسی تولید می کنند، به دلیل نرخ گذاری و نظارت دولت سودی عایدشان نشده است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۴۵). بررسی عامل مهاجرتی در کنار دیگر عوامل در نقاط و اجتماعات روستایی کشور، از جمله دلایلی بوده است که باعث روند تدریجی تنزل جمعیت تولیدکننده روستایی در مقابل افزایش نامتعادل و نامتوازن جمعیت اغلب مصرف کننده شهری شده است؛ به گونه ای که نسبت جمعیت روستایی به جمعیت شهری کشور از ۶۷/۶٪ در سال ۱۳۳۵ به ۳۱/۶٪ در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است (غفاری، ۱۳۸۷: ۱). بسیاری از نقاط روستایی کشور، هنوز از امکانات اولیه زیربنایی و رفاهی محروم هستند و از کورراه ها و راه های مالرو استفاده می کنند. به همین دلیل یا نمی توانند محصولات خود را به موقع به بازار عرضه کنند و یا با صرف هزینه گزاف، به بازار عرضه می کنند که در هر دو صورت به ضرر آنان است و به کاهش درآمد آنان منجر می شود. به علاوه، به دلیل پراکندگی آبادی ها و جمعیت اندک آنها، خدمات رسانی بخش دولتی نیز به موقع و مطلوب نخواهد بود. این وضعیت در ارتباط با آبادی هایی است که زمینه اشتغال در آنها وجود دارد و در بعضی از روستاها که به هر دلیلی زمینه اشتغال در آنها کم است، وضعیت مردم دشوارتر می شود؛ بنابراین، ادامه این وضعیت برای آنان؛ یعنی، کاهش تدریجی درآمدها و بالاخره به سوی فقر رفتن و به ناچار، مهاجرت به سوی شهرها را به دنبال دارد (مهدوی، ۱۳۷۷: ۱۷۷). لازم است ذکر شود که طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ قسمت عمده ای از مهاجرت ها، از روستاها به شهرها بوده است و نتیجه کلی این است که در این مدت حدود ۹۰٪ از حرکات جمعیتی داخل کشور، ناشی از مهاجرت های روستاییان به شهرها بوده است و نسبت به دوره ۵۶ ساله قبل از آن (سال های ۱۲۷۹ تا ۱۳۳۵) که در حدود ۳۹٪ بوده، افزایش مهاجرت های روستاییان در دوره ۵۰ ساله یادشده قابل ملاحظه بوده است (جهانفر، ۱۳۸۸: ۹۶).

یکی از مناطق مرزی کشور که از دیرباز با محرومیت‌های زیادی روبه‌رو بوده است، شهرستان میروان است. این شهرستان که در استان کردستان قرار دارد، دارای سه بخش است که یکی از این بخش‌ها، خاو و میرآباد است که در مجاورت با کشور عراق است. این بخش روستاهای زیادی دارد که در برهه‌های مختلف زمانی، تعدادی از این روستاها به‌علل مختلف، تخلیه شده و جمعیت آن‌ها به شهر میروان مهاجرت کرده‌اند. جمعیت روستاهای دیگر نیز غیر از چند روستای بزرگ و نیز چند روستای نزدیک به مرز، کاهش جمعیت داشته است که دلیل این امر، مهاجرت ساکنان آن بوده است. نگارندگان در این تحقیق در پی آن هستند که علل این مهاجرت‌ها را پیدا کرده و آن‌ها را بیان کنند. شایان ذکر است که زمان انجام این تحقیق، سال ۱۳۹۰ بوده است.

#### ۲.۱. ضرورت و هدف از انجام تحقیق

تداوم مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان کشور را می‌توان شاخصی در فقدان نگرش ناحیه‌ای در فضاییابی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی توسعه کشور تلقی کرد. اعمال سیاست‌های تمرکزگرایانه در مکان‌گزینی این فعالیت‌ها، از یک‌سو عامل تمرکز خدمات و تسهیلات رفاهی - معیشتی مختلف در شهرها شده است و از سوی دیگر، محرومیت و فقر مناطق روستایی را به‌دنبال داشته است. تداوم این روند نابرابر سبب شکاف و دوگانگی چشمگیر بین شهر و روستا شده است و آن‌ها را به قطب‌های جاذب و دافع جمعیتی تبدیل کرده است (سجادی و حامدی، ۱۳۸۱: ۱۳۴)؛ به‌گونه‌ای که تلقی روستاها به‌عنوان کانون‌های ناامن و محروم از نظر اقتصادی و اجتماعی، منجر به تشدید انگیزه‌های مهاجرتی در روستاییان، به امید برخورداری از حداقل امکانات در شهرها و حتی در شهرهای کوچک و روستا - شهرهایی شده است که از زمان کسب هویت شهری شدن آن‌ها چندی نمی‌گذرد؛ بنابراین، مهاجرت که عنوان «فرایند» می‌توان بر آن اطلاق کرد، می‌تواند ناشی از تنگناهایی باشد که قسمتی از آن به ویژگی‌های وضعیت محلی و قسمتی دیگر به فرصت‌های شغلی و تسهیلات آموزشی - بهداشتی که مراکز شهری عرضه می‌دارند، بستگی داشته باشد (ازکیا، ۱۳۸۴: ۹۳). خانوارهای روستایی به‌دنبال کاهش و یا افزایش درآمد خویش، به پیروی از وابستگی اقتصادی و سیاسی روستا به شهر و نیز آگاهی از فرصت‌های شغلی موجود در شهرها و برخورداری و استفاده سریع‌تر از این تسهیلات رفاهی - معیشتی،

با توجه به دوری و نزدیکی روستاها به مراکز شهری، به سوی این کانون‌ها مهاجرت می‌کنند. معمولاً آن‌ها با دستیابی به رفاه اجتماعی نسبی، برای همیشه در این سکونتگاه‌ها ماندگار می‌شوند؛ در نتیجه، در پی گسترش ارتباطات روستا-شهری و افزایش تماس میان ساکنین این دو کانون سکونتگاه، روستاییان با نیازهای جدید روبه‌رو می‌شوند (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۲) که این نیازهای اجتماعی-اقتصادی در اغلب موارد، در محیط‌های روستایی برآورده نمی‌شود؛ از این رو، نوعی نبود تعادل و نابرابری میان جوامع روستایی و شهری ایجاد می‌شود که در نتیجه آن روستاییان در راستای برآوردن نیازمندی‌های معیشتی-رفاهی خود به شهرها مهاجرت می‌کنند (قاسمی‌اردبائی، ۱۳۸۵: ۵۷). شدت این چنین روستاگریزی و فرار از محرومیت را از افزایش تعداد نقاط روستایی که نرخ رشد منفی جمعیت داشته‌اند، به روشنی می‌توان استنباط کرد. افزایش تعداد استان‌های کشور که با نرخ رشد منفی جمعیت نقاط روستایی روبه‌رو بوده‌اند، از ۱۱ استان در سال ۱۳۷۵ به ۲۵ استان در سال ۱۳۸۵، مؤید این ادعا است (مرکز آمار ایران، ۸۵-۱۳۷۵). همچنین، میانگین ۹۷-٪ و دامنه تغییرات از ۲- تا ۲/۷۸-٪ نرخ رشد جمعیت این استان‌ها، تردیدی در شدت روستاگریزی ساکنین مناطق روستایی در کشور برجای نمی‌گذارد. این مهم حتی در صورت تأکید بر اهمیت شهرنشینی در امر توسعه، می‌بایست از جمله نگرانی‌های بسیار جدی برای برنامه‌ریزان و مدیران کشور تلقی شود. از مهم‌ترین پیامدهای فرایند روستاگریزی در سطوح متفاوت محلی، ناحیه‌ای و ملی افزایش جمعیت شهرها، گسترش فرایند شهرنشینی و ظهور شهرهای چندمیلیونی در کشور، بدون توجه به سازوکارهای حاکم بر نظام برنامه‌ریزی و نیز نداشتن توجه به ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و مجموعه زیرساخت‌های خدماتی-رفاهی موجود در شهرها است. مهاجرت بی‌رویه روستا-شهری علاوه بر اضمحلال شبکه شهری، سبب بروز بحران‌های اشتغال، بیکاری، کمبود امکانات، ازدحام، آلودگی‌های محیطی، آلودگی‌های فیزیکی، فقر، محرومیت و بروز انواع کج‌روی‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی-فرهنگی در بسیاری از شهرهای کشور شده است. همچنین، روند تخلیه جمعیت به‌ویژه در گروه سنی جوان و فعال، نه تنها سبب کاهش نیروی انسانی لازم برای فعالیت کشاورزی در روستاها شده، بلکه به دلیل انتقال باروری این گروه به شهرها، سبب روبه‌سال‌خوردگی نیروی کار در بخش کشاورزی، به‌عنوان مانعی در جهت توسعه در روستاها نیز شده است. در این راستا، افزایش جمعیت شهری کشور از ۳۱/۴٪ در سال ۱۳۳۵، به ۹۶/۶٪ در سال ۱۳۸۵ و

طبیعتاً کاهش جمعیت روستانشین کشور از ۶۸٪ در سال ۱۳۳۵ به ۳۰٪ در سال ۱۳۸۵، نشانگر نرخ بالای مهاجرت روستا-شهری در نظام سکونتگاهی کشور است (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۹). جدول (۱) نمایانگر جمعیت شهری و روستایی و نرخ رشد آن‌ها در دوره‌های مختلف سرشماری است:

جدول شماره ۱- جمعیت کل شهری، درصد، نرخ رشد و تعداد شهرها در هفت دوره سرشماری (۸۵-۱۳۳۵)

ردیف	سال	جمعیت کل	شهری	درصد	نرخ رشد	روستایی	درصد	نرخ رشد
۱	۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۵۹۷۱۶۱	۳۱/۴	-	۱۳۰۰۱۱۴۱	۶۸/۶	-
۲	۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۹۲۳	۹۷۱۴۶۱۲	۳۹	۴/۹۴	۱۵۹۹۴۴۷۶	۶۱	-۶/۶
۳	۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴۷	۵/۰۲	۱۷۸۵۴۰۶۴	۵۳	-۹
۴	۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۹۱	۲۶۹۵۲۸۹۴	۵۴/۳	۵/۴۵	۲۲۳۴۹۳۵۱	۴۵/۷	-۷/۲
۵	۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۰۰۰	۳۱۸۳۶۵۹۸	۵۷	۳/۳۹	۲۴۹۷۲۶۶۰	۴۳	-۲/۴
۶	۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۵۱۹	۳۶۸۰۸۴۰۰	۶۱/۳	۲/۹۴	۲۳۲۳۷۴۸۸	۳۸/۷	-۴/۷
۷	۱۳۸۵	۶۹۲۸۶۹۱۳	۴۸۲۴۲۷۹۷	۶۹/۶	۲/۷۴	۲۱۰۴۴۱۱۶	۳۰/۴	

مأخذ: استخراج از داده‌های آماری سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، تا سال ۱۳۴۵، نرخ رشد جمعیت روستایی، مثبت و میزان آن بسیار بیشتر از جمعیت شهری بوده است. این، درحالی است که از سال ۱۳۴۵، نرخ رشد روستاها منفی می‌شود و از میزان جمعیت روستایی کاسته می‌شود، تا اینکه از سال ۱۳۶۰ به بعد، جمعیت شهری از جمعیت روستایی پیشی می‌گیرد که درنهایت، در سرشماری سال ۱۳۸۵، میزان جمعیت روستایی از جمعیت کل کشور به ۳۰٪ و درمقابل، جمعیت شهری ۶۹٪ از کل جمعیت را دربر می‌گیرد. این کاهش شدید جمعیت روستایی، نشانگر مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها بوده که خود موجب بروز مشکلات متعددی برای روستاها و شهرها شده است. مهاجرت‌های روستا-شهری در بیشتر نقاط کشور، به صورت‌های مختلفی وجود دارد و آمارهای مربوط به هر کدام از این نقاط، نشانگر وجود این پدیده است. در بخش خاو و میرآباد که یکی از بخش‌های مرزی کشور است، مهاجرت‌های روستا-شهری با شدت و ضعف همراه است. لزوم بررسی علل بروز این مهاجرت‌ها و

ارائه راهکار برای آن در جهت کاهش مهاجرت و دستیابی به توسعه پایدار در این منطقه احساس می-شود. هدف از انجام این تحقیق، بررسی این علل در جهت ریشه‌یابی دقیق آنها است.

### ۱.۳. پیشینه تحقیق

مهاجرت پدیده‌ای است که از آغاز تاریخ بشر وجود داشته و تاکنون ذهن بسیاری از محققان را به خود مشغول کرده است. تحقیقات بسیاری در مورد مهاجرت توسط پژوهشگران داخلی و خارجی انجام گرفته است که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

جوان (۱۳۶۷) نیز در کتاب جمعیت ایران و بستر جغرافیایی، مهاجرت‌های داخلی ایران را نتیجه توزیع نابرابر در رابطه با امکانات طبیعی و نبود توزیع متناسب اعتبارات عمرانی، سرمایه‌گذاری‌های ملی در بهره‌برداری از امکانات طبیعی می‌داند. پیتیه (۱۳۶۸) در کتاب مشهور خود با عنوان مهاجرت روستاییان، عوامل متعددی را مهاجرت دخیل می‌داند و استراتژی روشن در زمینه مهاجرت را، کاهش دامنه در روستاها به عنوان مبدأ مهاجرت بیان می‌کند. اعتماد و همکاران (۱۳۷۷) در کتاب شهرنشینی در ایران، مهاجرت‌های صورت گرفته در ایران را به دو دسته تقسیم می‌کند: دوره قبل از اصلاحات ارضی و دوره بعد از اصلاحات ارضی. او معتقد است که مهم‌ترین عامل مهاجرت در دوره قبل از اصلاحات ارضی، رکود؛ یعنی، افزایش نسبت جمعیت به سطح زیرکشت بوده است. وی عواملی از قبیل پیدایش صنایع پویا، رونق گرفتن امور ساختمانی، کالاهای خارجی و مواد کشاورزی ارزان قیمت را در این دوره، موجب افت مهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی می‌داند که حاصل آن مهاجرت روستاییان به شهرها است. به اعتقاد او، مهاجرت از روستا به شهر پس از اصلاحات ارضی، عمدتاً ناشی از عوامل تغییردهنده بوده است؛ یعنی، عواملی که موجب دگرگونی ساخت تولید روستایی از یک سو و تشدید شکاف بین دستمزدها و در نتیجه، بین سطح زندگی در شهر و روستا شده است. به عبارت دیگر، مهاجرت بیشتر ناشی از توسعه اقتصادی همراه با رشد مناسبات سرمایه‌داری در شهر و روستا بود.

پالوچ (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «پدیده مهاجرت؛ علت‌ها و راه‌حل‌ها در منطقه کجور نوشهر»، عوامل دافعه؛ یعنی، سطوح پایین معیشت و نبود درآمد را علت اصلی مهاجرت روستاییان ذکر می-

کند. پوراحمد و طاهرخانی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت های روستایی»، بیان کرده‌اند که از یک سو، محدودیت امکانات اشتغال در روستا و از سوی دیگر، توسعه خدمات و امکانات در نواحی شهری سبب افزایش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ می‌شود. مهدوی (۱۳۸۳) در کتاب *مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران* به این نکته اشاره می‌کند که مهاجرت‌های روستایی، اغلب ناشی از عوامل اقتصادی بوده‌اند؛ اما عوامل طبیعی، اجتماعی، جمعیتی، ارتباطی، فرهنگی، سیاسی نیز دخیل بوده‌اند که پیامد آن رکود تولیدات کشاورزی و رهاشدن منابع طبیعی محدود روستاها است.

هو (۲۰۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تجارت، مهاجرت روستا-شهری و اختلاف درآمد منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه: مدل توازن عمومی فضایی با الهام از نمونه چین»، به توسعه یک مدل تراکم فضایی برای توضیح افزایش نبود توازن منطقه‌ای در چین و بررسی تأثیرات سیاست‌های مختلف پرداخته‌اند. گلداسمیت و همکاران (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «مهاجرت روستا-شهری و تولیدات روستایی (نمونه موردی: سنگال)» رابطه بین تولیدات کشاورزی و مهاجرت‌های روستا-شهری را با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی و به‌کارگیری آن در مشور سنگال، بررسی کرده‌اند. سیلویرا و همکاران (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان «مدل مبتنی بر عامل برای تحلیل مهاجرت‌های روستا-شهری»، پدیده مهاجرت روستا-شهری را به‌عنوان پدیده‌ای که در مراحل اولیه صنعتی شدن مشاهده می‌شود، تحلیل کرده‌اند. این بررسی از طریق تجزیه و تحلیل و با استفاده از یک روش مکانیک آماری که منجر به ایجاد مدل محاسباتی مبتنی بر عامل است، انجام شده است. ایتو (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «کنترل دینامیکی مهاجرت‌های روستا-شهری» کنترل شهرنشینی بهینه در اقتصادی توسعه‌نیافته را با استفاده از تعیین یک مدل پویای روستا-شهری ساده در بخش شهری که دارای بیگانگی مثبت موقتی و بیگانگی منفی هم‌زمان است، بررسی کرده‌اند.

نلسون و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «فروش زمین‌های روستایی و مهاجرت‌های مربوط به آن در ایالات متحده»، به افزایش درک فروش زمین‌ها در روستاها از طریق دو راه اقدام کرده‌اند: ۱. طراحی آزمون سیستماتیک فروش زمین‌ها در شهرستان‌های غیرمتروپولیتین در آمریکا و توسعه متدولوژی‌ای برای شناسایی مناطق، همراه با شواهدی قوی مشابه فروش زمین‌ها، براساس



داده‌های سرشماری ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰؛ ۲. بخش دوم، تحلیل‌های مقایسه‌ی توزیع جغرافیایی و تغییرات اقتصادی-اجتماعی در شهرستان‌هایی که فروش زمین‌ها در آن‌ها انجام شده است، همراه با سایر نواحی غیرمتروپولیتین، با تأکید بر تغییرات در رویه جدید و جمعیت‌های لاتین آمریکا. مون و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات استفاده از تکنولوژی اطلاعات (IT) بر انگیزه‌های مهاجرت در جوامع روستایی»، به شناسایی عوامل بالقوه پرکننده شکاف دیجیتالی بین روستاها و شهرها که بر انگیزه‌های مهاجرت روستا-شهری تأثیر می‌گذارد، پرداخته‌اند. هو و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «مهاجرت بخشی یا اقامت دائم؟ نمونه‌هایی از مهاجرت‌های شهری-روستایی چین» با استفاده از داده‌های بررسی‌های اجتماعی عمومی چین (CGSS)، به بررسی شکاف بین شهر و روستا و نیز انتخاب مقصد مهاجران دائمی روستایی در چین پرداخته‌اند.

#### ۱. ۴. سؤال و فرضیه تحقیق

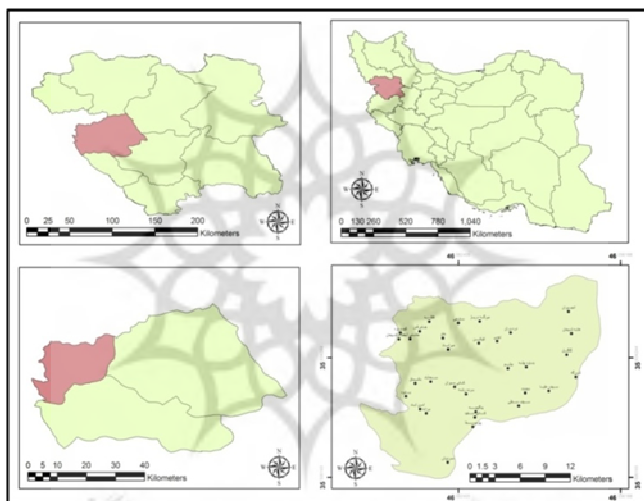
در این تحقیق، نگارندگان درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال هستند که علل اصلی مهاجرت‌های روستاییان بخش خاو و میرآباد به شهر میروان چیست؟ در پژوهش حاضر، کمبود درآمد، بیکاری، کمبود امکانات و تسهیلات آموزشی مناسب، کمبود امکانات تفریحی و ورزشی در روستا و کمبود امکانات رفاهی و بهداشتی، متغیرهای مستقل هستند و مهاجرت‌های روستا-شهری متغیر وابسته است. برای این سؤال، فرضیه‌ای تدوین شده است که در پی آزمون آن هستیم. این فرضیه عبارت است از اینکه به‌نظر می‌رسد بیکاری و کمبود درآمد روستاییان مهاجر از علل اصلی مهاجرت‌های روستا-شهری بخش خاو و میرآباد باشد.

#### ۲. روش‌شناسی تحقیق

##### ۲. ۱. قلمرو جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی این تحقیق بخش خاو و میرآباد است. بخش خاو و میرآباد در غرب شهرستان میروان در استان کردستان قرار دارد و دارای یک دهستان به همین نام به مرکزیت روستای برده‌رشه است. بخش خاو و میرآباد با مساحت ۳۳۸ کیلومتر مربع، دارای ۴۰ آبادی است که از این تعداد، ۳۲

روستای آن دارای سکنه است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، ۳۹ آبادی از ۴۰ آبادی موردنظر، دارای سکنه بودند (یک آبادی باقی‌مانده مربوط به بازارچه مرزی باشماق است) که در سرشماری سال ۱۳۸۵، خالی از سکنه شدند و جمعیت آنان به شهر مریوان مهاجرت کردند. در شرق این بخش، بخش مرکزی، در جنوب و جنوب شرقی آن بخش سرشیو و در سمت شمال و غرب آن کشور عراق قرار دارد. در دوره آماری ۱۳۸۵، این بخش دارای ۱۱۸۴۹ نفر جمعیت و ۲۵۱۳ خانوار بود که از کل جمعیت، ۶۳۱۲ نفر را مردان و ۵۷۷۹ نفر را زنان تشکیل می‌دادند. موقعیت این بخش را در شکل (۱) می‌توان مشاهده کرد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵):



شکل ۱- نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه

مأخذ: استانداری کردستان، ۱۳۹۰

## ۲.۲. روش تحقیق

این پژوهش برطبق هدف، کاربردی است و روش انجام آن توصیفی- علی است. در تحقیق حاضر، نگارندگان در پی بررسی علل پیامدهای مهاجرت‌های روستا- شهری هستند که برای بررسی دقیق‌تر، بخش خاو و میرآباد که یکی از این نواحی است، به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده است. جامعه آماری، جمعیت روستاهای بخش خاو و میرآباد با ۱۱۸۴۹ نفر (فرمانداری مریوان، ۱۳۸۵)

جمعیت است که با توجه به امکانات تحقیق و نیز یکدست بودن روستاها، مهاجران شش روستا که حدود ۲۰٪ از روستاهای این بخش هستند که به شهر مریوان مهاجرت کرده بودند، به صورت تصادفی از میان روستاهای این بخش انتخاب شدند. این روستاها شامل روستاهای چالاب، دولابی، لیو سفلی، رسول آباد، قلانجه و لیو علیا است که در سرشماری سال ۱۳۷۵ جمعیت داشتند؛ اما در سرشماری سال ۱۳۸۵، تخلیه و خالی از سکنه اعلام شدند. در این تحقیق ابتدا بینش لازم درباره موضوع، از منابع کتابخانه‌ای به دست آمد. پس از آن، داده‌ها و اطلاعات مربوط به منطقه گردآوری شد. در بررسی‌های میدانی، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، اقدام به تهیه و تکمیل پرسش‌نامه در بین مهاجران روستاهای مورد نظر همراه با مصاحبه و مشاهده شد. برای این هدف، پرسش‌نامه‌ای طراحی شد که سؤالات آن شامل سؤالات باز و بسته بود. در طراحی سؤالات بسته، از طیف لیکرت استفاده شد. روایی محتوایی پرسش‌نامه را جمعی از اساتید دانشگاهی تأیید کردند و اعتبار پرسش‌نامه‌ها نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ، ۰/۸۳/۰ به دست آمد. پرسش‌نامه‌های خانوار براساس تعداد جمعیت روستاهای انتخاب شده توزیع شد. براساس فرمول کوکران، از میان جامعه آماری ۳۷۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که در نهایت از این تعداد، ۳۶۵ پرسش‌نامه به صورت کامل، تکمیل شد. پس از اینکه داده‌ها و اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار Excel تحلیل شد، در نهایت، با توجه به نتایج پژوهش به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شد.

### ۳. مبانی نظری تحقیق

پدیده مهاجرت‌های بی‌رویه روستایی به عنوان یکی از معضلات اساسی در کشور، به طور عمده نقش منفی در مبدأ و مقصد مهاجرت دارد. امروزه یکی از دغدغه‌های اساسی دولت، کنترل مهاجرت بی‌رویه، حل معضلات شهری و کاهش عوارض سوء مهاجرت در نقاط روستایی است (عاشری، ۱۳۸۳: ۱۱۸). می‌توان گفت انقلاب صنعتی نقطه آغاز مهاجرت‌های روستایی به نقاط شهری است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۳: ۱۶۵). در دهه‌های اخیر، تفاوت سطح زندگی در شهر و روستا، یافتن شغل و درآمد بیشتر، استفاده از امکانات آموزشی، بهداشتی و تفریحی بیشتر، جزو انگیزه‌های عمده مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به پایتخت و شهرهای بزرگ بوده است (کوئن، ۱۳۸۰:

۲۸۴). یکی از مهم‌ترین علل مهاجرت روستاییان، انگیزه‌های اقتصادی است که به‌طور عمده در دو زمینه صورت می‌گیرد: کسب درآمد بیشتر و یافتن شغل (بنی فاطمه، ۱۳۷۶: ۵۱). بسیاری از نظریه‌پردازان، انگیزه‌های اقتصادی را مهم‌ترین دلیل مهاجرت روستاییان به مناطق شهری می‌دانند و اعتقاد دارند که اختلاف درآمد بین شهر و روستا و کسب درآمد بیشتر برای بهبود زندگی، عامل اصلی این نوع مهاجرت است (ماهر، ۱۳۷۲: ۹۷). در این زمینه کلارک اعتقاد دارد که مهاجرت روستا-شهری پاسخی به محرک‌های اقتصادی است (کلارک، ۱۳۸۳: ۱۸۴). به‌عقیده فاولست و همکاران، از دیدگاه نظری چهار عامل در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثر هستند: ۱. فشارهای اکولوژیک؛ ۲. عوامل ناهنجاری؛ ۳. انگیزه‌های اقتصادی؛ ۴. انگیزه‌های روان‌شناختی (Fawcett et al., 1982: 109). لوئیس معتقد است نیروی کار روستایی به‌دنبال دریافت دستمزد بیشتر و به‌دلیل وجود فرصت اشتغال در شهر، به شهر مهاجرت می‌کند تاجایی که مازاد نیروی کار در روستا پایان یابد (قره‌باغیان، ۱۳۷۶: ۱۵۵). در همین زمینه، اندرسون فقر روستایی را عامل اصلی مهاجرت به شهرها می‌داند و معتقد است روستاییان برای گریز از آسیب‌های ناشی از فقر، روانه شهرها می‌شوند (Anderson, 2002: 2). همچنین، تودارو معتقد است تفاوت در نرخ بیکاری و انتظار شغل نیز باعث مهاجرت می‌شود (Taylor & Martin, 2000: 21). با توجه به چارچوب نظری تحقیق، دیدگاه‌های زیر در خصوص علل مهاجرت‌های روستا-شهری است که به آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۳. ۱. مهاجرت‌های روستایی و دست‌یابی به رفاه اجتماعی

رهایی از فقر، نابرابری و به‌دست‌آوردن شرایط معیشتی بهتر برای زیست، از جمله آرمان‌های بشر برای ادامه حیات در عرصه فضایی هر سکونتگاهی است؛ از این رو، برقراری رفاه اجتماعی و توسعه در هر مکانی مستلزم تحقق امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و افزایش امید به آینده در مردم و تأمین معاش و حفظ هویت آحاد جامعه است (قاسمیان، ۱۳۸۴: ۳۳۳). در دهه‌های اخیر، عقب‌ماندگی مناطق روستایی کشورهای جهان سوم نسبت به دیگر مناطق سکونتگاهی بیشتر آشکار شده است. گاهی این تفاوت‌ها و نابرابری‌های درآمدی و شغلی، به‌عنوان عوامل دافعه در محیط‌های روستایی (تودارو، ۱۳۶۶: ۶۵) به‌همراه وجود فرصت‌های شغلی، خدمات، فضای عملکردی آزاد و

دیگر عوامل جاذبه در محیط‌های شهری، منجر به مهاجرت روستاییان به سوی این مراکز شده است؛ بنابراین، برخوردار نبودن روستاییان از امکانات مورد نیاز آنان برای ایجاد رفاه و فراهم آوردن شرایط زیست - معیشت پایدار در روستاها، موجب گسترش فقر، نابرابری شهر و روستا و افزایش شکاف اقتصادی - اجتماعی میان این دو کانون سکونتگاهی می‌شود که در نهایت، این روند سبب مهاجرت روستاییان به سوی شهرها می‌شود. به این ترتیب، بر پایه نظریه محرومیت نسبی، خانوارها در راستای رفاه، خشنودی، افزایش درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی خود در مقایسه با دیگر خانوارهای اجتماع (کازمپور و قاسمی اردهائی، ۱۳۸۶: ۱۳۰) اقدام به مهاجرت می‌کنند. علاوه بر این، خانوارها با شناخت از شرایط زندگی از جنبه‌های معیشتی، رفاهی، اقتصادی و اجتماعی در مکان‌های سکونتگاهی مختلف و مقایسه این شرایط زیست در مقصد با مبدأ سکونت خود، تحت تأثیر جاذبه‌های شهر و دافعه‌های روستا به مهاجرت روی می‌آورند (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۴). مطالب ذکر شده علل مهاجرت را بیشتر در عوامل جاذبه شهری و شکاف درآمدی بین شهر و روستا بیان می‌کنند؛ اما روستاها به عنوان اولین جامعه پابرجای انسانی باید برای رسیدن به توسعه از زندگی سستی خود به زندگی مدرن وارد شوند؛ زیرا، سیاست‌هایی که امکان تحرک بیشتری برای جمعیت می‌پذیرند، با سیاست ارتقای زندگی توده مردم هماهنگی بیشتری دارند (اسکلدون، ۱۳۸۱: ۷۱). اکثر کسانی که عموماً در کشورهای در حال توسعه به شهرها مهاجرت می‌کنند، به دلیل کارایی و توانمندی‌هایی که دارند، در بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی شهر وارد می‌شوند و زندگی نسبتاً بهتر و رضایتمندتری نسبت به قبل به دست می‌آورند (اوبرای، ۱۳۷۰: ۱۷-۱۶). در این مورد، آینده شهرها چشم‌انداز روشن‌تری را نسبت به روستا به تصویر می‌کشد؛ به طوری که در شهر فرد می‌تواند از دست‌فروشی شروع کند و همین‌طور پیش برود؛ اما در روستا عموماً همان زارع باقی می‌ماند. همچنین، شهرها با ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که دارند، محل تغییر و رشد هستند (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۴).

### ۲.۳. نظریه مایکل تودارو

مایکل تودارو در کتاب *مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه*، عوامل مؤثر بر جریان مهاجرت را علاوه بر عوامل اقتصادی، شامل موارد زیر می‌داند:

الف- عوامل اجتماعی، شامل تمایل مهاجران برای دورشدن از فشارهای سستی ساختارهای اجتماعی روستایی بازدارنده؛

ب- عوامل فیزیکی، شامل فاجعه‌های اجتماعی و جوی نظیر سیل، خشک‌سالی و قحطی که مردم را به جست‌وجوی محیط دیگر برای زندگی وادار می‌سازد؛

ج- عوامل جمعیتی، شامل کاهش نرخ مرگ‌ومیر و نرخ‌های بالای رشد جمعیت روستایی که با آن همراه است و منجر به تراکم سریع جمعیت روستایی می‌شود؛

د- عوامل فرهنگی، شامل روابط خانوادگی گسترده شهری که امکان تأمین اولیه مالی برای مهاجران جدید و جذب آنان به زرق‌وبرق شهری را فراهم می‌کند؛

ه- عوامل ارتباطی که نتیجه بهبود حمل‌ونقل، سیستم‌های آموزشی شهری و آثار نوگرایانه رادیو، تلویزیون و سینما است و آثار موانع مداخله‌کننده را تغییر می‌دهد (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۶۷-۱۵۷).

#### ۴. نتایج تحقیق

در این قسمت، به یافته‌های تحقیق اشاره می‌شود که در زیر به تفصیل ذکر شده است.

##### ۴.۱. ویژگی‌های فردی روستاییان

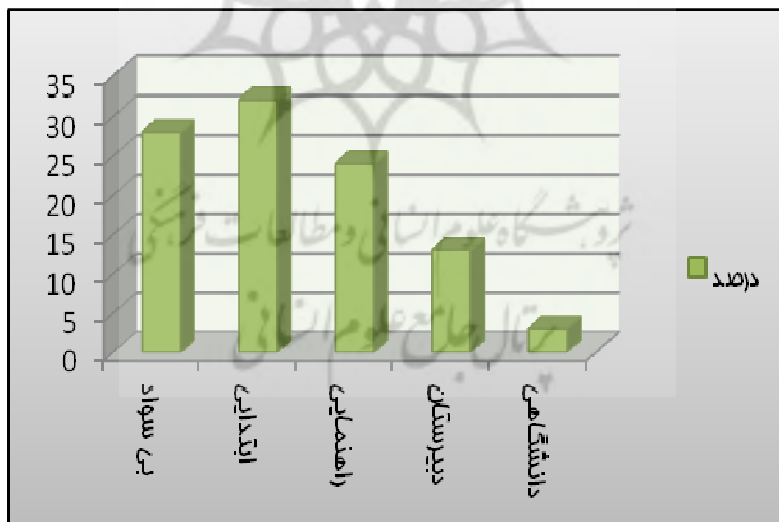
یافته‌های توصیفی این تحقیق حاوی مشخصات عمومی پاسخ‌گویان شامل سن، جنس، میزان سواد، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال (شاغل یا بیکار) و غیره است که در زیر می‌آید. از تعداد ۳۷۲ پرسش‌نامه موردنظر، ۳۶۵ پرسش‌نامه به صورت کامل تکمیل شد.

با بررسی‌های به عمل آمده و تکمیل چهره‌به‌چهره پرسش‌نامه‌ها با پاسخ‌گویان، مشخص شد که ۳۰۷ نفر؛ یعنی، حدود ۸۴٪ از پاسخ‌گویان مرد و سایر پاسخ‌گویان را که ۵۶ نفر (حدود ۱۶٪) بودند، زنان تشکیل دادند.

از کل حجم نمونه برای سرپرست خانوارها (پاسخ‌گویان) برحسب میزان سن، ۳۸٪ بین ۲۰-۳۰ سال، ۳۳٪ بین ۳۱-۴۰ سال، ۱۳٪ بین ۴۱-۵۰ سال، ۱۰/۸٪ بین ۵۱-۶۰ سال، ۴٪ بین ۶۱-۷۰ سال و ۱/۲٪ نیز بالای ۷۰ سال سن داشته‌اند. میانگین سنی پاسخ‌گویان نیز ۳۴ سال بوده است. با توجه به این اعداد، مشاهده

می شود که گروه سنی ۲۰-۳۰ سال با فراوانی ۲۸٪ در بالاترین رده و گروه سنی بالای ۷۰ سال با فراوانی ۱۲٪ در پایین ترین رده قرار می گیرد. این نتایج، نشان دهنده جوان بودن بیشتر مهاجران است. همچنین، گروه های سنی پایین تر از ۲۰ سال با فراوانی صفر درصد، هیچ جایگاهی در بین پاسخگویان نداشته اند.

وجود امکانات آموزشی، اثرات زیادی در باسوادی و گسترش تحصیلات دارد. به همین دلیل، یکی از سؤالات پرسش نامه به بررسی میزان تحصیلات پاسخ گویان، اختصاص داده شد. ارزیابی وضعیت تحصیلی پاسخ گویان در ۵ رده صورت گرفت که شامل بی سواد، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و تحصیلات دانشگاهی است. نتایج به دست آمده نشان می دهد ۲۸٪ از پاسخ گویان بی سواد، ۳۲٪ تحصیلات ابتدایی، ۲۴٪ تحصیلات راهنمایی، ۱۳٪ تحصیلات دبیرستان داشتند و ۳٪ نیز دارای تحصیلات دانشگاهی بودند؛ براین اساس، در بین پاسخ گویان، افراد دارای تحصیلات ابتدایی با ۳۲٪، در بالاترین رده و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی با ۳٪ در پایین ترین رده قرار می گیرند. براساس توضیحات، ۶۰٪ از پاسخ گویان، دارای تحصیلات ابتدایی و بی سواد بوده اند؛ یعنی، نبود امکانات و تسهیلات آموزشی در روستا، موجب پایین ماندن سواد روستاییان و مهاجرت آنان به شهر، برای بهره بردن از این امکانات در شهر است. نمودار زیر، طبقه بندی میزان تحصیلات پاسخگویان را نشان می دهد:



شکل ۲- میزان تحصیلات پاسخ گویان

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۰

پس از بررسی پرسش‌نامه‌ها و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، در قسمت وضعیت تأهل پاسخ‌گویان مشخص شد که ۷۸/۶٪ از پاسخ‌گویان، متأهل و ۲۱/۴٪ از آنان، مجرد بوده‌اند. همان‌طور که مشخص است، بیشتر پاسخ‌گویان را افرادی تشکیل می‌دهند که متأهل بوده‌اند؛ یعنی، به غیر از خود، تعداد دیگری نیز (زن و فرزندان)، همراه با فرد پاسخگو بوده‌اند که این نشان‌دهنده این است که به‌همراه خود، تعداد دیگری را نیز با خود آورده‌اند (مهاجران تبعی) و بر تعداد مهاجران افزوده شده است.

#### ۴. ۲. مشاغل عمده مهاجران قبل و بعد از مهاجرت و میزان درآمد آنان

در بررسی وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان قبل از مهاجرت، مشخص شد ۱۴/۶٪ از کل مهاجران کشاورز، ۱۴/۷٪ دامدار و ۵۸/۴٪ بیکار هستند و ۱۲/۳٪ نیز سایر مشاغل (شامل مغازه‌دار، راننده، کارگر و ...) را عهده‌دار هستند. وجود این میزان بیکار (حدود ۵۸٪ از کل پاسخ‌گویان) و نیز نامناسب بودن فعالیت‌هایشان پیش از مهاجرت، یکی از علل مهم مهاجرت آنان برای دستیابی به شغل در مقصد، محسوب می‌شود. میزان درآمد مهاجران نیز قبل از مهاجرت در جدول زیر نمایش داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، طبق اظهار نظر مهاجران، میزان درآمد ۷۶/۴٪ از مهاجران کم، میزان درآمد ۱۵/۸٪ از مهاجران متوسط و میزان درآمد ۷/۸٪ باقی‌مانده نیز بالا و مناسب بوده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، درآمد بیشتر پاسخ‌گویان (حدود ۷۶٪) در قبل از مهاجرت، کم و نامناسب بوده است و این یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت افراد برای فرار از این وضعیت و دستیابی به وضعیت اقتصادی مناسب‌تر محسوب می‌شود.

#### جدول ۲- میزان درآمد مهاجران قبل از مهاجرت

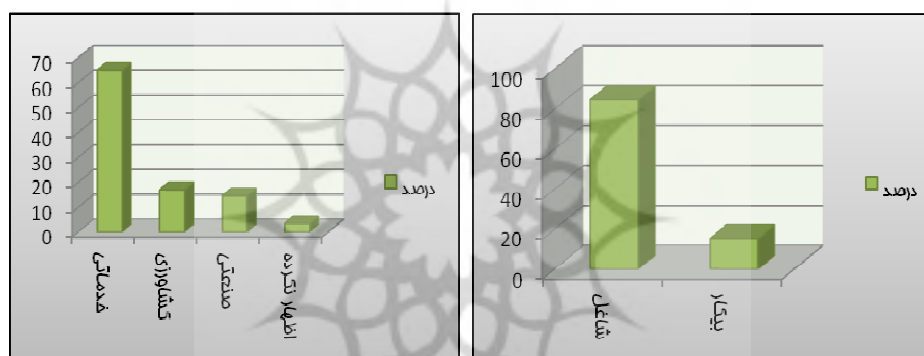
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

میزان درآمد	درصد
کم	۷۶/۴
متوسط	۱۵/۸
بالا و مناسب	۷/۸
جمع	۱۰۰

در بررسی وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان پس از مهاجرت، مشخص شد ۸۴/۷٪ از پاسخ‌گویان، شاغل بودند و بقیه پاسخ‌گویان (۱۵/۳٪) بیکار بودند و شغلی نداشتند. از بین پاسخ‌گویان شاغل، مشخص شد



که ۶۵٪ از آنان در فعالیتهای خدماتی، ۱۴/۶٪ در فعالیتهای صنعتی و ۱۷٪ در فعالیتهای کشاورزی اشتغال داشتند و ۳/۴٪ باقی مانده نیز، نوع شغل خود را اظهار نکردند. این آمارها نشانگر این نکته هستند که بیشتر پاسخ گویان به فعالیتهای خدماتی در شهر مشغول بودند؛ یعنی، از فعالیتهای اکثراً تولیدی که در روستا به آنها اشتغال داشتند، دست کشیدند و به فعالیتهای خدماتی در شهر مشغول شدند. همین نکته را می توان یکی از پیامدهای مهاجرت روستاییان به شهرها ذکر کرد. همچنین، بالا بودن میزان اشتغال روستاییان در شهر (حدود ۸۴٪)، نشان دهنده تحقق یکی از عوامل مهم مهاجرت روستاییان به شهر (دستیابی به شغل و فرار از بیکاری) است. نمودارهای زیر نشانگر وضعیت اشتغال پاسخ گویان است.



شکل ۴- وضعیت اشتغال پاسخ گویان

شکل ۳- توزیع پاسخ گویان بر اساس نوع شغل

بعد از مهاجرت

بعد از مهاجرت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

با توجه به پرسش نامه‌های تکمیل شده از مهاجران، در بررسی وضعیت مهاجران بعد از مهاجرت، مشخص شد ۸۶٪ از آنها اظهار کرده‌اند که وضعیت اقتصادی شان بعد از مهاجرت بهتر شده است. ۹/۳٪ گفته‌اند که وضعیت اقتصادی آنان بعد از مهاجرت تغییری نکرده است و ۴/۷٪ نیز اظهار کرده‌اند که وضعیت اقتصادی آنان پس از مهاجرت بدتر شده است. وجود این میزان رضایت و بهتر شدن وضعیت اقتصادی بعد از مهاجرت را نیز می توان تأییدی بر یکی دیگر از علت مهاجرت افراد محسوب کرد. جدول زیر نشانگر وضعیت اقتصادی مهاجران پس از مهاجرت است:

## جدول ۳- بررسی وضعیت اقتصادی مهاجران بعد از مهاجرت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

وضعیت اقتصادی	درصد
بهبتر شده است	۸۶
تغییر نکرده است	۹/۳
بدتر شده است	۴/۷
جمع	۱۰۰

## ۴. ۳. علل و انگیزه‌های مهاجرت از دید مهاجران

افزایش جمعیت روستاها به دلیل پیشرفت‌های علم پزشکی و درکنار آن، ورود تکنولوژی‌های جدید کشاورزی به روستا، مکانیزه‌شدن کشاورزی، ثابت‌بودن منابع طبیعی و کشاورزی و نیز فقدان امکان افزایش آن، موجب بیکاری و به تبع آن کاهش درآمد روستاییان و درنهایت، موجب مهاجرت آنان به شهرها و تخلیه روستاها شده است که تبعات این مهاجرت‌ها را در کشور به طرق مختلف شاهد هستیم. به‌طورکلی، علل مهاجرت روستاییان بخش خاو و میرآباد به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. علل اقتصادی: در این تحقیق، از میان متغیرهای اقتصادی، کمبود درآمد و وجود بیکاری

بررسی شد؛

۲. علل اجتماعی و فرهنگی: ازدواج، امکانات آموزشی، امکانات رفاهی و بهداشتی، امکانات

تفریحی و ورزشی.

جدول زیر علل مهاجرت را از دید شش روستای مورد مطالعه نشان می‌دهد. با توجه به نتایج

تحلیل پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده توسط پاسخ‌گویان، در بین روستاهای نمونه، از ۳۶۵ مهاجر ۵۶/۶٪

را افرادی تشکیل می‌دهند که به دلیل فرار از بیکاری و دست‌یابی به شغل، به شهر مهاجرت کرده‌اند.

همچنین، ۲۹/۴٪ به دلیل داشتن درآمد کم در روستا، ۳/۴٪ از آنان دست‌یابی به امکانات رفاهی و

بهداشتی در شهر و کمبود این امکانات در روستا، ۶/۵٪ از آنان دست‌یافتن به امکانات و تسهیلات

آموزشی مناسب در شهر و کمبود آن‌ها در روستا، ۲/۴٪ از آن‌ها دست‌یابی به امکانات ورزشی و

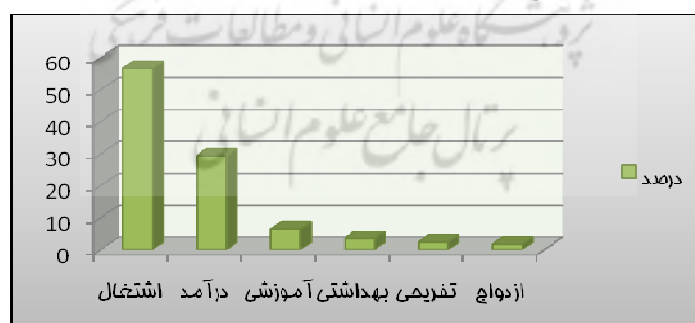
تفریحی در شهر و کمبود یا نبود آن در روستا و ۱/۷٪ نیز ازدواج را از علل مهاجرت بیان کرده‌اند.

## جدول ۴- علل و انگیزه های مهاجرت از دید مهاجران (پاسخ گویان) روستاهای مورد مطالعه

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۰

علل و انگیزه مهاجرت	درصد
اشتغال	۵۶/۶
درآمد	۲۹/۴
تسهیلات آموزشی	۶/۵
امکانات بهداشتی	۳/۴
امکانات تفریحی	۲/۴
ازدواج	۱/۷
جمع	۱۰۰

با نگاهی به این آمار مشخص می شود که اشتغال و دست یابی به شغل مناسب در شهر از بالاترین اولویت برخوردار است و از علل بسیار مهم مهاجرت روستاییان بخش خاو و میرآباد به شهر مریوان می باشد. همچنین، در بررسی های میدانی معین شد درصد بسیار زیادی از پاسخ گویان در قبل از مهاجرت از روستا بیکار بودند و یا شاغل در بخش کشاورزی معیشتی بودند و زمین کم داشتند که این افراد در شرایط بسیار بدی قرار داشتند و چاره ای جز مهاجرت نداشتند؛ بنابراین، ضرورت ایجاد اشتغال از طریق تنوع بخشی به فعالیت ها در روستاها، با توجه به جمعیت هر روستا در این بخش برای کاهش مهاجرت ها و حتی افزایش مهاجرت های معکوس، بسیار احساس می شود. نمودار زیر بیانگر این ارقام است که بهتر درک شدنی هستند:



شکل ۵- علل و انگیزه های مهاجرت از دید پاسخ گویان

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۰

با توجه به جدول (۴) و نیز شکل (۵) می‌توان گفت کمبود اشتغال و وجود بیکاری و پس از آن کمبود درآمد، علت اصلی مهاجرت روستاییان بخش خاو و میرآباد به شهر و درنهایت، تخلیه روستاهایشان محسوب می‌شود.

##### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تداوم مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان کشور را می‌توان شاخصی در نبود نگرشی ناحیه‌ای در فضایی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی توسعه کشور قلمداد کرد. اعمال سیاست‌های تمرکزگرایانه در مکان‌گزینی این فعالیت‌ها، از یک سو عامل تمرکز خدمات و تسهیلات رفاهی- معیشتی مختلف در شهرها شده و از سوی دیگر، محرومیت و فقر مناطق روستایی را به دنبال داشته است. تداوم این روند نابرابر سبب شکاف و دوگانگی چشمگیر بین شهر و روستا شده و آن‌ها را به قطب‌های جاذب و دافع جمعیتی تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که تلقی روستاها به‌عنوان کانون‌های ناامن و محروم از نظر اقتصادی و اجتماعی، منجر به تشدید انگیزه‌های مهاجرتی در روستاییان، به امید برخورداری از حداقل امکانات در شهرها و حتی در شهرهای کوچک و روستا-شهرهایی شده است که از زمان کسب هویت شهری شدن آن‌ها چندی نمی‌گذرد؛ بنابراین، مهاجرت که عنوان «فرایند» می‌شود بر آن اطلاق کرد، می‌تواند ناشی از تنگنانهایی باشد که قسمتی از آن به ویژگی‌های وضعیت محلی و بخشی دیگر به فرصت‌های شغلی و تسهیلات آموزشی-بهداشتی که مراکز شهری عرضه می‌دارند، بستگی داشته باشد.

یکی از مناطق مرزی کشور که از دیرباز با محرومیت‌های زیادی روبه‌رو بوده است، شهرستان مریوان است. این شهرستان که در استان کردستان قرار گرفته است، دارای سه بخش است که یکی از این بخش‌ها، خاو و میرآباد است که در مجاورت با کشور عراق قرار دارد. بخش خاو و میرآباد دارای روستاهای زیادی است که در برهه‌های مختلفی از زمان، تعدادی از این روستاها به‌علل مختلف، تخلیه شده و جمعیت آن‌ها به شهر مریوان مهاجرت کرده‌اند. جمعیت روستاهای دیگر نیز، به‌جز چند روستای بزرگ و نیز چند روستای نزدیک به مرز، کاهش جمعیت داشته‌اند که دلیل این کاهش جمعیت، مهاجرت ساکنان آن بوده است.

در این تحقیق، نگارندگان در پی آن بوده‌اند تا علل این مهاجرت‌ها را پیدا کرده و آن‌ها را بیان کنند. برای بررسی علل مهاجرت در این بخش، ۳۷۲ عدد پرسش‌نامه تهیه شد که از این تعداد، ۳۶۵ پرسش‌نامه به صورت کامل تکمیل شد. در نهایت، مشخص شد بیشترین تعداد پاسخ‌گویان (۶۰٪) به دلیل کمبود امکانات آموزشی در روستا، تحصیلات ابتدایی داشته‌اند و یا بی‌سواد بوده‌اند که این امر دلیل عمده‌ای در مهاجرت این افراد به شمار می‌رود. به علاوه، مشخص شد ۴۱/۶٪ از کل مهاجران را کشاورز، و ۱۴/۷٪ را دامدار و ۳۱/۴٪ را بیکار تشکیل می‌دهند و ۱۲/۳٪ نیز سایر مشاغل شامل مغازه‌دار، راننده، کارگر و ... دارند. وجود این میزان افراد بیکار (حدود ۳۱٪ از کل پاسخ‌گویان) قبل از مهاجرت، یکی از علل مهم مهاجرت آنان برای دست‌یابی به شغل در مکان مقصد، محسوب می‌شود. در بررسی وضعیت اقتصادی مهاجران قبل از مهاجرت، مشخص شد وضعیت اقتصادی ۷۶/۴٪ از مهاجران نامناسب، ۱۵/۸٪ از مهاجران نسبتاً مناسب و ۷/۸٪ باقی‌مانده نیز خوب و مناسب بوده است. این آمار نشان‌دهنده نامناسب بودن وضعیت اقتصادی بیشتر پاسخ‌گویان (حدود ۷۶٪) قبل از مهاجرت است و این یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت مهاجران برای فرار از این وضعیت و دست‌یافتن به وضعیت اقتصادی مناسب‌تر به شمار می‌رود. همچنین، مشخص شد اکثر پاسخ‌گویان (۶۰٪) به دلیل کمبود امکانات آموزشی در روستا، تحصیلات ابتدایی داشته‌اند و بی‌سواد بوده‌اند که این، دلیل عمده‌ای در مهاجرت این افراد محسوب می‌شود. به علاوه، در بررسی وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان، از بین پاسخ‌گویان شاغل بعد از مهاجرت، روشن شد ۶۵٪ از آنان در فعالیت‌های خدماتی، ۱۴/۶٪ در فعالیت‌های صنعتی و ۱۷٪ در فعالیت‌های کشاورزی اشتغال داشته‌اند که این نشانگر این است که بیشتر پاسخ‌گویان به فعالیت‌های خدماتی در شهر مشغول بوده‌اند؛ یعنی، از فعالیت‌های اکثراً تولیدی که در روستا به آن‌ها اشتغال داشته‌اند، دست کشیده‌اند و به فعالیت‌های خدماتی در شهر مشغول شده‌اند. همین نکته را می‌توان یکی از پیامدهای مهاجرت روستاییان به شهرها ذکر کرد. میزان اشتغال روستاییان در شهر حدود ۸۴٪ است که این رقم نشان‌دهنده تحقق یکی از عوامل مهم مهاجرت روستاییان به شهر؛ یعنی دست‌یابی به شغل و فرار از بیکاری است. علاوه‌براین، وضعیت اقتصادی ۸۶٪ از مهاجران، بعد از مهاجرت بهتر شده است که وجود این میزان رضایت و بهتر شدن وضعیت اقتصادی بعد از مهاجرت را نیز می‌توان تأیید یکی دیگر از علل مهاجرت مهاجران، محسوب کرد.

همچنین، ۵۶/۶٪ از پاسخ‌گویان فرار از بیکاری و دست‌یافتن به شغل، ۲۹/۴٪ داشتن درآمد کم در روستا، ۳/۴٪ دستیابی به امکانات رفاهی و بهداشتی در شهر و کمبود این امکانات در روستا، ۶/۵٪ دستیابی به امکانات و تسهیلات آموزشی مناسب در شهر و کمبود آن در روستا، ۲/۴٪ دست‌یافتن به امکانات ورزشی و تفریحی در شهر و کمبود یا نبود آن در روستا و ۱/۷٪ نیز ازدواج را از علل مهاجرت بیان کرده‌اند. این آمار نمایانگر این است که اشتغال و دست‌یابی به شغل مناسب در شهر از بالاترین اولویت برخوردار است و از علل بسیار مهم مهاجرت روستاییان بخش خاو و میرآباد به شهر می‌باشد. همچنین، مشخص شد درصد بسیار زیادی از پاسخ‌گویان، قبل از مهاجرت از روستا بیکار و یا شاغل در بخش کشاورزی معیشتی بوده‌اند و زمین، کم داشته‌اند و در شرایط بسیار بدی بوده‌اند که چاره‌ای جز مهاجرت نداشته‌اند؛ بنابراین، ضرورت ایجاد اشتغال از طریق تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها در روستاها، با توجه به جمعیت هر روستا در این بخش برای کاهش مهاجرت‌ها و حتی افزایش مهاجرت‌های معکوس، بسیار احساس می‌شود؛ براین اساس، با توجه به این توضیحات، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بیکاری و کمبود درآمد روستاییان مهاجر از علل اصلی مهاجرت‌های روستا-شهری بخش خاو و میرآباد است، تأیید می‌شود؛ بنابراین، مشخص می‌شود علت اصلی مهاجرت روستاییان بخش خاو و میرآباد به شهر می‌باشد، دست‌یابی به اشتغال و درآمد مناسب بوده است. در این راستا، در قسمت بعد، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت موجود و جلوگیری از تخلیه سایر روستاهای بخش خاو و میرآباد و دست‌یابی به توسعه پایدار روستایی ارائه می‌شود.

## ۶. پیشنهادها و راهکارها

۱. برنامه‌ریزی مناسب و قابل اجرا برای گسترش گردشگری در این منطقه، با توجه به مرزی بودن و نیز داشتن توان‌های گردشگری در زمینه اکوتوریسم و توریسم تجاری که موجب ایجاد اشتغال برای ساکنین روستا و در نهایت، افزایش درآمد آنان می‌شود؛
۲. برنامه‌ریزی برای ایجاد صنایع کوچک و متوسط در منطقه، با توجه به فراوانی نیروی جوان در روستاهای تخلیه‌نشده؛

۳. در محور قرارداد دادن توسعه مناطق مرزی، بر اساس منابع طبیعی اعم از آب، خاک، پوشش گیاهی و معادن منطقه با استفاده از نیروی انسانی و دانش بومی و تقویت آن از طریق آموزش حرفه‌ای و ترویج؛
۴. ایجاد فرصت‌های شغلی مولد در نواحی روستایی این بخش، از طریق تنوع بخشی به فعالیت‌ها؛
۵. رسمیت بخشیدن و جهت دادن به تجارت غیررسمی کالا (قاچاق) در بخش خا و میرآباد، از طریق ایجاد یک بازارچه مرزی فعال که در آن روستاییان بخش خا و میرآباد در اولویت ارائه کالاها و خدمات قرار گیرند. با توجه به اینکه بازارچه مرزی‌ای که هم‌اکنون دایر است (بازارچه باشماق)، بیشتر به امر صادرات می‌پردازد و در اختیار افرادی قدرتمند و با نفوذ سیاسی و اقتصادی است، بنابراین اصلاح ساختار این بازارچه و مشارکت دادن روستاییان روستاهای مرزی در امور اقتصادی آن، با هدف افزایش درآمد آنان ضروری است.
۶. تأمین و فراهم ساختن زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی لازم برای ایجاد و توسعه فرصت‌های شغلی پایدار و رفع بیکاری پنهان در بخش کشاورزی روستا و حوزه فرادست آن. این امور با بهره‌گیری از قابلیت‌های محلی امکان پذیر می‌شوند که از آن جمله می‌توان به ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به بخش کشاورزی، به ویژه زراعت و باغداری در روستا، بهره‌گیری گسترده از فناوری‌های مدرن (دانش، روش و ابزار) در فرایند کاشت، داشت و برداشت، بازاریابی و بازرسانی محصولات زراعی و باغی در محل برای اقتصادی کردن فعالیت‌های کشاورزی، اشاره کرد؛
۷. تجهیز مراکز دهستان‌ها به امکانات و خدمات رفاهی - معیشتی مورد نیاز روستاییان، همگام با بهبود شبکه دسترسی و ارتباطی روستاهای اقمار به این مراکز؛
۸. توسعه خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی و تفریحی موجود و مورد نیاز در مراکز دهستان‌ها و گسترش آن‌ها در سطح روستاها به نسبت جمعیت آن‌ها.

#### کتابنامه

۱. ابریشمی، ح. (۱۳۷۵). «اقتصاد ایران». چاپ اول. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲. ازکیا، م. (۱۳۸۴). «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی». چاپ چهارم. تهران: انتشارات اطلاعات.

۳. استانداری کردستان. (۱۳۹۱). «آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان مریوان». سندسج: استانداری کردستان.
۴. اسکلدون، ر. (۱۳۸۱). «مهاجرت روستاییان به شهر و اثرات آن در کاهش فقر روستایی». ترجمه حمیدرضا وجدانی. مجله جهاد(ترویج کشاورزی و توسعه روستایی). شماره ۲۵۲: صص ۷۵-۶۹.
۵. اعتماد، گ؛ حسامیان، ف. و حائری، م. ر. (۱۳۷۷). «شهرنشینی در ایران». تهران: انتشارات آگاه.
۶. امان‌اللهی بهاروند، س. (۱۳۸۳). «زوال کوچ‌نشینی در ایران، یکجانشینی ایلات و عشایر». فصلنامه مطالعات ملی وزارت جهاد کشاورزی. سال ۵. شماره ۱، صص ۱۸۳-۱۵۵.
۷. اوپرای، آ. س. (۱۳۷۰). «مهاجرت، شهرنشینی و توسعه». ترجمه فرهنگ ارشاد. چاپ اول. تهران: سازمان کار و تأمین اجتماعی.
۸. بنی فاطمه، ح. (۱۳۷۶). «بیکاری و مهاجرت». مجله رشد و آموزش جغرافیا. شماره ۱۳، صص ۵۶-۵۱.
۹. پاپلی یزدی، م. ح. و ابراهیمی، م. ا. (۱۳۸۲). «نظریه‌های توسعه روستایی». تهران: انتشارات سمت.
۱۰. پالوج، م. (۱۳۸۰). «پدیده مهاجرت: علت‌ها و راهکارها در منطقه کجور نوشهر». ماهنامه جهاد. شماره ۲۳۷، صص ۶۷-۵۶.
۱۱. پورا احمد، ا. و طاهرخانی، م. (۱۳۸۱). «نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت‌های روستایی». فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۴۳، صص ۵۶-۴۳.
۱۲. پیتیه، ژ. (۱۳۳۸). «مهاجرت روستاییان». ترجمه محمد مؤمنی کاشانی. چاپ اول. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۱۳. تودارو، م. (۱۳۶۶). «توسعه اقتصادی در جهان سوم». ترجمه غلامعلی فرجادی. جلد اول. چاپ اول. تهران: سازمان برنامه‌وی و بودجه.
۱۴. تودارو، م. (۱۳۶۷). «مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه: بررسی نظریه‌ها، مدارک، روش‌ها و اولویت‌های تحقیق». ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد. چاپ اول. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۱۵. جوان، ج. (۱۳۶۷). «جمعیت ایران و بستر جغرافیایی آن». مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۶. جهان‌فر، م. (۱۳۸۸). «ویژگی‌های جمعیت‌شناسی ایران». تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۷. زنجانی، ح. ا. (۱۳۸۰). «مهاجرت». تهران: انتشارات سمت.



۱۸. سجادی، ژ.؛ ابراهیمزاده، ع. و شمس‌الدینی، ع. (۱۳۹۰). «*تحلیلی بر مهاجرت‌های روستایی-شهری با تأکید بر نقش مسافت و دسترسی (مورد: شهرستان ممسنی)*». مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. سال ۲. شماره ۸، صص ۹۴-۷۷.
۱۹. سجادی، ژ. و حامدی، ر. (۱۳۸۱). «*بررسی روابط مکانی- فضایی هادیشهر (شهرستان جلفا) با مراکز جمعیتی پیرامون در راستای سامان‌دهی*». مجله علوم زمین. شماره‌های ۸ و ۹، صص ۱۴۸-۱۳۳.
۲۰. شمس، م.؛ قمری، م.؛ عبودی، ا. و محمدی، ک. (۱۳۹۰). «*بررسی مهاجرت‌های روستایی و تأثیر آن بر مورفولوژی شهرها (نمونه موردی: شهر سقز)*». فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای. سال ۱. شماره ۳، صص ۶۸-۵۷.
۲۱. صرافی، م. (۱۳۸۱). «*مهاجرت داخلی و مشکلات مدیریت شهری با تأکید بر ایران*». چاپ دهم. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.
۲۲. عاشری، ا.ع. (۱۳۸۳). «*بررسی تأثیر فعالیت‌های عمرانی جهاد سازندگی بر تثبیت جمعیت روستایی در مقطع زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵*». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال ۱۹. شماره پیاپی ۷۲. شماره ۱، صص ۱۳۴-۱۱۸.
۲۳. غفاری، ر. (۱۳۸۷). «*برنامه‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی*». شهر کرد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۴. فرمانداری شهرستان مریوان. (۱۳۸۵). «*اطلاعات مربوط به بخش خاو و میرآباد*». مریوان: فرمانداری مریوان.
۲۵. قاسمیان، س. (۱۳۸۴). «*کاهش فقر در ایران: چشم‌انداز و چالش‌ها*». مجله رفاه اجتماعی. شماره ۱۸، صص ۳۵۶-۳۳۳.
۲۶. قاسمی‌اردهائی، ع. (۱۳۸۵). «*بررسی علل مهاجرت به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۹)*». فصلنامه روستا و توسعه. سال ۹. شماره ۱، صص ۸۰-۵۱.
۲۷. قره‌باغیان، م. (۱۳۷۶). «*اقتصاد توسعه*». جلد اول. تهران: نشر نی.
۲۸. کاظم‌پور، ش. و قاسمی‌اردهائی، ع. (۱۳۸۶). «*تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران*». مؤسسه جمعیت‌شناسی ایران. سال ۲. شماره ۳، صص ۱۴۸-۱۳۰.
۲۹. کلارک، ج. (۱۳۸۳). «*اصول و مبانی جغرافیای جمعیت*». ترجمه مسعود مهدوی. تهران: نشر قومس.

۳۰. کوئن، ب. (۱۳۸۰). «مبانی جمعیت‌شناسی». ترجمه غلامعلی توسلی و رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.

۳۱. ماهر، ف. (۱۳۷۲). «مهاجرت، قانونمندی‌ها و دیدگاه‌ها، نگاهی جامعه‌شناختی». مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۱، صص ۹۰-۱۰۷.

۳۲. مجتهدزاده، ع. ر. (۱۳۷۷). «تحلیل جغرافیایی نظریه‌های اجتماعی در روابط شهر و روستا در ایران». مجله ادبیات و علوم انسانی زاهدان. شماره ۶، صص ۲۸-۹.

۳۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). «سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان مریوان. ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵». تهران: مرکز آمار ایران.

۳۴. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). «سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سال های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵». تهران: مرکز آمار ایران.

۳۵. مهدوی، م. (۱۳۷۷). «مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران». جلد اول. تهران: انتشارات سمت.

۳۶. مهدوی، م. (۱۳۸۳). «مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران». تهران: انتشارات سمت.

37. Anderson, J. R. (2003). *"Risk in Rural Development: Challenges for Managers and Policy Makers"*. Agricultural Systems. Vol. 75. Issue 2-3, Pp. 161-197.
38. Fawcett, T.J. et al. (1982). *"Reasons for Moving and Migration Behavior, World Development"*. Vol. 10. No. 4, Pp. 51-62.
39. Goldsmith, D.P.; Gunjal, K. & Ndarishikanye, B. (2004). *"Rural-Urban Migration and Agricultural Productivity: The Case of Senegal"*. Agricultural Economics. Vol. 31. Issue 1, Pp. 33-45.
40. Hu, D. (2002). *"Trade, Rural-Urban Migration and Regional Income Disparity in Developing Countries: A Spatial General Equilibrium Model Inspired by the Case of China"*. Regional Science and Urban Economics. Vol. 32. Pp. 311-338.
41. Hu, F.; Xu, Z. & Chen, Y. (2011). *"Circular Migration or Permanent Stay? Evidence from China's Rural-Urban Migration"*. Journal of China Economic Review. Vol. 22. Issue 1, Pp. 64-74.
42. Itoh, R. (2009). *"Dynamic Control of Rural-Urban Migration"*. Journal of Urban Economics. Vol. 66. Issue 3, Pp. 196-202.

43. Moon, J.; Park, J.; Jung, G. H. & Chan Choe, Y. (2010). **"The Impact of IT Use on Migration Intentions in Rural Communities"**. Journal of Technological Forecasting & Social Change. Vol. 77. Issue 8, Pp.1401-1411.
44. Nelson, B.P.; Oberg, A. & Nelson, L. (2010). **"Rural Gentrification and Linked Migration in the United States"**. Journal of Rural Studies. Vol. 26. Issue 4, Pp. 343-352.
45. Silveira, J.J.; L. Espíndola, A. & Penna T.J.P. (2006). **"An Agent-Based Model to Rural-Urban Migration Analysis"**. Physica A: Statistical Mechanics and its Applications. Vol. 364. Issue C, Pp. 445-456.
46. Taylor, J. E. & L. Martin, P. (2000). **"Human Capital: Migration and Rural Population Change"**. Handbook of Agricultural Economics. New York: Elsevier Science.

